

# جماعت تبلیغ؛

روش کار و آثار و نتایج آن در  
بخشهایی از قارهٔ اورپا و امریکا

بخش پایانی

آثار و نتایج خوب و فراگیری که از این نهضت در داخل هندوستان و در کل جهان از جمله قاره‌های اروپا و امریکا به وجود آمد بسیاری از علمای بزرگ و متفکر جهان اسلام را خرسند نموده و باعث شد که با اعجاب و شگفتی خاصی از این نهضت یاد کنند؛ از جمله شیخ صالح بن علی الشویمان پژوهشگر عرب که اظهاراتی علیه جماعت تبلیغ شنیده بود، شخصاً در یک اجتماع جماعت تبلیغ حضور پیدا می‌کند و خلاصهٔ مشاهدات خود را چنین توصیف می‌کند: «فما أروعه و ما أجمله يُعطيك صورة ناطقة عن حياة الصحابة و التابعين و أتباعهم رضوان الله عليهم، جهد و علم و ذکر، کلام جمیل، أفعال جميلة، حركات اسلامية رائعة، وجوه مشرقة بنور الايمان و العلم... و بالجمله تطبيق عملي لكتاب الله و سنة الرسول صلى الله عليه و سلم یا لها من حياة طيبة سعيدة»؛ چه تصویر گویا و زیبایی از زندگی صحابه و تابعین و تبع تابعین رضی الله عنهم در برابر دیدگان به نمایش می‌گذارند؛ همه اش جهد، علم، ذکر، گفتار زیبا، افعال نیکو، فعالیت‌های شگفت‌انگیز اسلامی، چهره‌های درخشان از نور علم و ایمان... روی هم رفته، تطبیق عملی کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم است؛ چه زندگی پاک و مبارکی!

شیخ عبدالمجید زندانی که یکی از نویسندگان معروف جهان عرب است پس از بررسی و مشاهده چنین می‌گوید «هؤلاء أهل السماء یمشون علی الأرض» اینها (اهل دعوت و تبلیغ) اهل آسمان‌اند که روی زمین راه می‌روند<sup>(۱)</sup>.

علامه ابوبکر الجزایری که یکی از دانشمندان و نویسندگان مشهور است کتابی در رابطه با جماعت تبلیغ تألیف نموده که چند جمله از آن درج می‌گردد:

«آثار جماعت تبلیغ در کشورهای مصر، اردن، سوریه، لبنان و یمن هویدا است، چه بسا منحرفانی که به راه راست هدایت شدند و چه بسا افراد غافل و بی‌پروایی که به حقیقت رسیدند و چه بسا کسانی که از دین الله اعراض داشتند و به طرف الله رجوع کردند»<sup>(۲)</sup>.

سید سلیمان ندوی در مقدمه‌ای که بر کتاب نهضت دعوت و تبلیغ (و زندگی نامه مولانا الیاس) می‌نویسد، اصول هفتگانه‌ای را تحت عنوان «اصول دعوت انبیا» بر می‌شمارد و در پایان در مورد جماعت تبلیغ چنین می‌گوید: «با توجه به نکات مزبور در مورد اصول دعوت و تبلیغ، می‌توان گفت: اتخاذ روش مذکور (جماعت تبلیغ) بسیار نزدیک‌تر به روش عهد اول اسلام است».



وقتی از مولانا ابوالحسن علی ندوی رحمه الله سؤال می کنند: از چه کسانی در مسیر دعوت متأثر شده است؟ چنین می فرماید: کسی که بیش از همه در من تأثیر گذاشت مولانا محمد الیاس پدر مولانا محمد یوسف مؤلف کتاب حیاة الصحابه بود؛ این مرد از جانب الله مأمور بود البته نه از طریق وحی و رسالت بلکه بدین معنی که خداوند او را برای ادامه دعوت انبیا انتخاب نمود. ایشان دعوتی فراگیر برای ارتباط مستقیم با همه توده ها آغاز کرد، این دعوت نه تنها در هند بلکه به کل قاره آسیا و سرانجام به اروپا و امریکا راه یافت و همچنان در حال کار و پیش روی است و از میان همه حرکت ها بیشترین تأثیر و نتیجه را به بار آورده است.

### مختصری از روش کار جماعت

کار جماعت به صورت گروهی و عمومی انجام می گیرد، که در مساجد از عموم مردم می خواهند برای احیاء دین در زندگی خود و زندگی تمام انسانها اوقاتی را اختصاص دهند. افرادی که آماده می شوند به جاهای دور و نزدیک فرستاده می شوند. این افراد بیشتر در مساجد و احیاناً در منازل و هتل ها اقامت می گیرند، در آنجا از یک طرف با برگزاری مذاکرات ایمانی و قرآنی و خواندن و گوش دادن به احادیث و واقعات صحابه به اصلاح و تربیت خویش می پردازند و از طرفی در اوقات دیگر به ملاقات اقشار مختلف مردم در کوچه ها و بازارها و در صورت وجود راهنما به منازل می روند.

در صحبت هایشان به طور اجمال به طرف دین و تقویت ایمان و عمل دعوت می کنند و بیشتر در مورد کلمه لا اله الا الله محمد رسول الله صحبت می کنند، یعنی در مورد یگانگی و عظمت خداوند و اینکه کامیابی و سعادت دنیا و آخرت در طریقه و روش زندگی رسول الله صلی الله علیه و سلم است و تأکید می کنند که اگر یقین به این دو مطلب حاصل شود، عمل به دین آسان می شود و دین از رسم و عادت به حقیقت تبدیل می گردد.

از مسائل و فروع دین و همچنین از مسائل اختلافی کمتر بحث می کنند و بیشتر فضایل اعمال دینی را بیان می نمایند و احادیثی که درباره فضیلت

هر عمل آمده است به صورت گروهی می خوانند. از جمله: فضایل ایمان، نماز، علم و ذکر و تلاوت قرآن و اخلاق خوب و خدمت و ایثار.

مساجد را محور و مرکز کار قرار می دهند و می کوشند در هر مسجد اعمالی احیاء شود که در مسجد نبوی در عهد رسالت انجام می گرفت از جمله: گفت و شنودهای ایمانی و قرآنی، تعلیم و تعلم، عبادات به صورت عملی و اخلاق نبوی؛ و سعی دارند از طریق مساجد همه این اعمال در تک تک خانه ها نیز برگزار گردد. چون معتقدند که صحابه کرام رضی الله عنهم در همچنین محیطی تربیت شدند و همین اعمال هستند که در هر زمان و مکان می توانند انسانها را تربیت کنند و در زندگی ها انقلاب ایجاد کنند.

مولانا الیاس می فرماید: «ما کار دعوت را به این شکل که جماعت هایی برای تبلیغ دین حرکت کنند ترک کرده ایم، در صورتی که همین چیز اصلی اساسی بوده است. رسول الله صلی الله علیه و سلم شخصاً برای تبلیغ دین به این سو و آن سو می رفت و هر کس دست بیعت با آن حضرت صلی الله علیه و سلم می داد او نیز مجنون وار حرکت می کرد. در حالی که در مکه تعداد مسلمانان انگشت شمار بود اما هر فردی بعد از مسلمان شدن برای عرضه نمودن حق اقدام می کرد. زندگی مدینه اجتماعی و متمدن بود، آن حضرت صلی الله علیه و سلم بعد از ورود به مدینه گروههایی تشکیل داده و به چهار گوشه اعزام می نمود، رفته رفته این گروهها رنگ عسکریت به خود گرفت...»

به هر حال جد و جهد و نقل و حرکت برای دین اساس و بنیاد کار بود، وقتی اساس متزلزل شد آن وقت خلافت راشده به پایان رسید». (نهضت دعوت و تبلیغ ص: ۱۸۶)

شایان ذکر است که روشی در نهضت دعوت و تبلیغ اتخاذ شده که هم ساده و هم قابل تطبیق و عمل در همه جوامع و مناطق است، بنابراین طبیعی است که در این روش به امور تخصصی و تفصیلی کمتر پرداخته می شود و بیشترین نیرو صرف امور بسیار ضروری و همگانی می شود و کارهای بعدی و تکمیلی به عهده علمای هر منطقه یا دیگر برنامه های فرهنگی و آموزشی گذاشته می شود.

این دعوت نه تنها در هند بلکه به کل قاره آسیا و سرانجام به اروپا و امریکا راه یافت و همچنان در حال کار و پیش روی است و از میان همه حرکت ها بیشترین تأثیر و نتیجه را به بار آورده است.



مولانا ندوی در همین خصوص در کتاب نهضت دعوت و تبلیغ چنین می نگارد:

«مولانا الیاس رحمة الله علیه با فهم این مطلب که ایمان و اعتقاد به اصول دین به منزله زمین است که می توان بر آن باغها و عمارت های دین را بنا کرد و با توجه به این که طلب دین و قدردانی آن به منزله سرمایه اصلی است که تمام شکوفایی ها به آن بستگی دارد، کلیه توجهات خود را از کارهای فرعی و تکمیلی منصرف کرده بر این کار اساسی و اصلی متمرکز ساخت. قابل ذکر است ایشان در مورد مفید بودن و حقانیت بقیه شعبه ها و فعالیت های دینی کوچکترین تردیدی نداشت بلکه پیوسته برای خادمان آن شعبه ها بسیار ارزش و احترام قایل بود.» (نهضت دعوت ص: ۱۹۱)

به نظر مولانا الیاس روش درست کار این بود که با توجه به اوضاع کنونی نباید مستقیماً بعضی از منکرات موجود را مورد تعرض قرار داد بلکه به جای آن درک و شعور ایمانی و احساس دینی را باید بیدار کرد و به تکثیر و ترویج معروفات مشغول شد. مولانا رحمه الله صرفاً به اصلاحات جزئی و موضعی قایل نبود.

**دعوت قبل از سیاست از نظر مولانا محمد الیاس رحمه الله**  
مولانا الیاس رحمه الله کوشش و جدیت برای ایمان و اصول دین و تبلیغ و دعوت به سوی آن را از تمام کارها مقدم می دانست و معتقد بود که بعد از این مرحله استعداد عمل به دین به وجود آمده و اطاعت از احکام دین و شریعت سهل و آسان می گردد. هرگاه در مرحله دعوت دین موفقیت حاصل شود و در این زمینه کوشش و جدیت نهایی مبذول گردد، بعد از استحکام این مرحله، صلاحیت و استعداد سیاست به وجود خواهد آمد.

در یکی از نامه هایش به یکی از دوستان خود چنین می نویسد:

الفبای تبلیغ، عبادات هستند. بدون تکمیل عبادات هرگز معاشرت و معاملات اسلامی انجام نخواهد شد. برنامه مصلحین باید این باشد که نخست برای اشاعه و گسترش عبادات و تکمیل آن تلاش نهایی را مبذول دارند بعد به وسیله اصلاح معاملات و معاشرت و تزکیه اخلاق وارد مرحله سیاسی شوند.

شایان ذکر است هر سیاستی که پایه آن بر دعوت استوار نباشد ساختمان آن متزلزل و ناپایدار است منظور از دعوت این است که مردم به وسیله بیان فضایل و منافع دین به سوی دین تشویق و ترغیب گردند.

در این خصوص مولانا دارای یک نظریه مستقل بود. به عبارت دیگر خلاصه تاریخ اسلام در ذهن وی این بود که قرن ها می گذرد که صلاحیت نیروی سیاست از این امت سلب گشته است. اکنون باید مدتها مدیدی با صبر و شکیبایی کامل بر طبق اصول دعوت کوشش و جدیت شود تا این که در مسلمانان قابلیت نظم و اطاعت و استعداد عمل بر ضوابط و قوانین علی رغم خواهش های نفس به وجود آید. برای مقدار اندکی از سیاست مقداری زیادی از دعوت لازم است. به هر اندازه که دعوت دچار ضعف شود یا به هر اندازه در این مرحله از تعجیل و تسریع کار گرفته شود به همان مقدار سیاست دارای ضعف و ناپختگی خواهد شد، یا این که سیاست اصلاً به وجود نخواهد آمد و یا اینکه در صورت به وجود آمدن ساختمان آن به زودی متزلزل خواهد شد.

مولانا ابوالحسن می گوید: واقعیت نیز همین است زیرا نظم و نیروی خلافت راشد و سازماندهی منظم آن و اطاعت بی نظیر مردم در آن زمان، نتیجه همان دعوت طولانی و منظمی بود که از نخستین سال نبوت آغاز شد و تا پایان خلافت راشد ادامه داشت. اما ضعف بعدی و سقوط اجتماعی نتیجه تغافل از دعوت بود. مولانا الیاس اغلب جمله حضرت حسن بن علی رضی الله عنه را که به حضرت حسین بن علی رضی الله عنه وصیت کرده بود، تکرار می کرد که: «از حالا به بعد کار این امت از طریق دعوت پیش خواهد رفت».

به نظر مولانا عامل کلیه اختلافات، فسادها و پراکندگی ها این بود که سیاست بر دعوت مقدم شده و کار دین به روش سیاست و سازماندهی غربی انجام داده می شود.

#### برنامه جداگانه برای علماء

مولانا می خواست که برنامه تبلیغ چنان جامع و کامل باشد که افراد هر سطحی بتوانند برای تربیت و

☑ به نظر  
مولانا الیاس  
روش درست  
کار این بود  
که با توجه به  
اوضاع کنونی  
نباید مستقیماً  
بعضی از  
منکرات موجود  
را مورد تعرض  
قرار داد بلکه  
به جای آن  
درک و شعور  
ایمانی و  
احساس دینی  
را باید بیدار  
کرد.



عزم راسخ و یقین استوار نیاز دارد؛ کسانی که از زرق و برق و جاذبه مادی که در آنجا وجود دارد متأثر نشده و در مقابل آن سپر نیندازند، بلکه با مشاهده فضای بی بندوبار و زندگی غیر اسلامی و اعمال خلاف طریقه پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم متأسف و متأثر شوند.

سرانجام این کار گسترش یافت و جماعت‌هایی به اروپا و آمریکا گسیل شدند که نتایج و فواید فراوانی به همراه داشت. در اینجا خاطرات و گزارش‌های چند جماعت که می‌تواند وضعیت آنجا و اثرات دعوت را در آن سرزمین‌ها تا حدی بازگو کند، می‌آوریم:

یک جماعت چهار نفری به قصد سفر به آمریکا سوار کشتی شدند. اعضای جماعت تصمیم گرفتند که در کشتی نیز کار دعوت را انجام دهند، به این منظور پیش کاپیتان رفتند و از او برای گفتن اذان و اقامه نماز بر روی عرشه کشتی اجازه خواستند. کاپیتان کشتی گفت: از نظر من اشکالی ندارد اما اگر شما اذان بدهید احتمال دارد مسافران اعتراض می‌کنند. افراد جماعت اذان گفتند و شروع به خواندن نماز جماعت کردند، مسافرین می‌آمدند و نگاه می‌کردند و برخی کنار آنها می‌نشستند، اما کسی اعتراض نکرد. افراد جماعت چون توجه و شیفتگی مردم را دیدند حلقه تعلیم تشکیل دادند و به مذاکره احادیث پرداختند و کسانی را که مسلمان بودند دعوت به شرکت در تعلیم نمودند. کاپیتان چند بار آمد و رفت، ولی چون دید که اینها فقط از اخلاق و خداپرستی و گذراندن زندگی به روشی خوب و پاکیزه سخن می‌گویند تحت تأثیر قرار گرفت و با افراد جماعت انس گرفت.

افراد جماعت به محض رسیدن به مقصد و پیاده شدن از کشتی به شور و مشورت با هم نشستند، پس از چندی ماشینی کنار آنها توقف کرد، راننده پایین آمد و جماعت را با اصرار سوار کرد و به مقصدشان رساند، همچنین به شدت تقاضا کرد که آنها به خانه اش بروند. ایشان علت اظهار محبت و اصرار او را جویا شدند، وی گفت: من در کشتی جزو مسافرین بودم و چندین بار در حلقه تعلیم شما نشستم.

آنها از دفترچه راهنمای تلفن خانه او نام یک

ترقی دینی و علمی خود در آن شرکت نمایند. ایشان برای اهل علم برنامه جداگانه‌ای داشت که متناسب حال و مطابق سطح علمی خود در آن شرکت نمایند.

در یک نامه می‌نویسد: «نیاز به این وجود دارد که برنامه‌ای مشتمل بر ادبیات عرب، کلام صحابه، اعتصام بالکتاب و السنة و... برای اهل علم ترتیب داده شود... نیاز به چنین برنامه‌ای بسیار شدید است این نهضت بدون چنین برنامه‌ای به خطر ضربه علمی و ناکامی جبران ناپذیری مواجه خواهد شد.» مولانا ابوالحسن ندوی با توجه به مجموع گفته‌های مولانا الیاس و راهکارهای دقیق و حکیمانه‌ای که ایشان ارائه کرده است، چنین استنباط می‌کند:

«در واقع این نظام دعوت و تبلیغ بسیار قابل توسعه و تنظیم پذیر است و می‌تواند به موازات زمان پیش رود و با حرکتها و دعوت‌های بی‌دینی مقابله نماید و در عین حال برای عوام الناس بسیار مؤثر است. اکنون نیاز به این احساس می‌شود که کسانی که خداوند آنها را به نعمت علم دین و خلوص نیت و عقل و فهم مشرف نموده و در عین حال از نیازهای زمان هم بی‌خبر نیستند به طرح و روش مولانا محمد الیاس توجه کرده با جوش عمل و نیرو سازماندهی و سلیقه خدادادی و مراعات اصول و ارتباط با الله آن را ترقی و پیشرفت دهند.»

مولانا ندوی در ادامه می‌افزاید: «اما این کار به قدری بزرگ و گسترده است که برای انجام آن چند نفر یا چند جماعت کافی نیست، بلکه باید عموم مسلمانان در این زمینه تلاش و جدیت نمایند. به قول مولانا الیاس رحمه الله اگر صدها هزار نفر برای هدایت میلیونها نفر قیام نکنند، چگونه کار پیشرفت خواهد کرد؟ مولانا محمد الیاس معتقد بود که برای انجام این کار در تمام جهان باید یک حرکت عمومی و جنبشی همیشگی صورت گیرد.» (نهضت دعوت و تبلیغ ص: ۱۸۵)

### نمونه‌هایی از گسترش کار دعوت و تبلیغ

#### در اروپا و آمریکا

رفتن به اروپا و آمریکا و پرداختن به کار دعوت و تبلیغ در جایی که مهد ماده پرستی است به مردانی با

این نظام  
دعوت و تبلیغ  
بسیار قابل  
توسعه و  
تنظیم پذیر  
است و می‌تواند  
به موازات زمان  
پیش رود و با  
حرکتها و  
دعوت‌های  
بی‌دینی  
مقابله نماید و  
در عین حال  
برای عوام  
الناس بسیار  
مؤثر است.

www.rahmannews.com



مسلمان را پیدا کردند و به او زنگ زدند، او گفت: بعد از دو هفته می‌توانند با او ملاقات کنند. بعد از دو هفته با او ملاقات کردند و مقصد از آمدن خود و ملاقاتشان را با او را در میان گذاشتند.

این شخص که در آن محیط مادی زندگی می‌کرد و از ارزشهای دنیای غرب متأثر بود برایش باور کردنی نبود که این جماعت از هزاران کیلومتر دور فقط به خاطر رضای الله برای ملاقات او و امثال او به اینجا آمده‌اند؛ آنگاه که باورش شد چشمانش پر از اشک شده و سینه‌اش پر از عشق و محبت گشت. سپس پرسید چگونه این حس در من پیدا می‌شود؟ به او گفتند چند روز باید با ما همراه شوی تا به سر آن پی ببری. لذا او سه روز با جماعت همراه شد.

به همین صورت ۱۶۰ تا ۱۷۰ نفر در این سفر در اوقات مختلف جماعت را همراهی کردند، همه این افراد از همراهی با جماعت و از محبت و خدمت و از درد و فکر آنها برای بیداری امت اسلامی متأثر شدند؛ از صحبت‌های خدا و رسول بسیار شاد می‌شدند و چون به خانه خود باز می‌گشتند اظهار می‌کردند که این سه روز را در تمام زندگی فراموش نخواهند کرد. همچنین می‌گفتند که با صرف هزارها دلار نمی‌توانستیم به چنین آرامش و سکونی دست یابیم.

افراد جماعت از آنها می‌خواستند که برای اینکه این طرز زندگی و آرامش برای همیشه باقی بماند چهار ماه به مراکز جماعت دعوت و تبلیغ در پاکستان یا هندوستان بروند و با جماعت‌ها تشکیل شوند، که بسیاری از آنها آماده شدند و نام نوشتند.<sup>(۳)</sup>

### اجتماع در شهر منچستر انگلستان:

یکی از شرکت کنندگان در این اجتماع چنین گزارش می‌دهد: «تأثیرات این اجتماع چنان زیاد بود که از وصف خارج است. خداوند می‌خواهد کار بزرگی بگیرد. شاید خداوند مردم این سرزمین را هدایت می‌کند و گرنه هیچ چیز نمی‌تواند مانع تباهی و نابودی اینها باشد. کسانی که ما آنها را ابرقدرت می‌پنداریم شاید نتوانند خودشان را محافظت کنند. قبل از اجتماع سه نفر از اهل آنجا با ما در مسجد خوابیدند، صبح یک جماعت از «لیدز» آمد. چند گروه درست شد و با آنها به گشت تبلیغی

رفتیم از مسجد که بیرون آمدیم منور حسین و جماعت "بیرمنگام" آمد. ما که از گشت تبلیغی برگشتیم معلوم شد که از لندن یک جماعت هفتاد نفری آمده است؛ یک جماعت از گلاسکو در راه است؛ جماعتی از لیورپول نیز خواهد آمد؛ مگر قرار است در هندوستان این اجتماع برقرار شود! نه! این اجتماعی است که در انگلستان برگزار می‌شود.

در میان افرادی که می‌آیند تاجر، کارخانه‌دار، صاحب هتل، افسر، دکتر، دانشجو، پیر، جوان و هر جور انسانی وجود دارد. یکی با قطار می‌آید یکی با موتورسیکلت، یکی با ماشین یکی با هواپیما؛ اینها برای چه جمع می‌شوند؟ چرا خانه‌هایشان را ترک کرده و به اینجا می‌آیند؟ هیچ انگیزه‌ای جز یاد الله، نمی‌تواند این افراد را این گونه در یک جا جمع کند.<sup>(۴)</sup> اینان برای تحصیل ایمان و نشر آن می‌آیند.

از شهر «براد فورد» هفده نفر آمدند. در اجتماع اکثر مردم برای احیای دین در زندگی خود و دیگران فکر می‌کنند. جماعت ما به شهر براد فورد تشکیل شد. در براد فورد خانواده‌های مسلمان زیادی ساکن هستند؛ آنها برای اقامه نماز ساختمان بزرگی خریداری کرده‌اند. آنها می‌گفتند که انگلیسی‌ها در مدارس خود به زبان اردو دعاهایشان را تکرار می‌کنند تا بچه‌های مسلمان به مسیحیت آشنایی پیدا کنند.

در کلاسگو و لیدز مسلمانان برای بچه‌های خود در مساجد کلاس درس دایر کرده‌اند.

سپس به نیوکاسل رفتیم. آنجا وقتی استقبال مردم را دیدیم دل مان می‌خواست غرق در شکر خداوند باشیم. می‌خواستیم خوب در پیشگاه الله تعالی گریه و دعا کنیم که ای کاش مسلمانها می‌آمدند و برای احیای دین کمر همت بسته و آماده می‌شدند، آنگاه می‌دیدیم که چگونه بار دیگر نور و روشنایی دنیا را فرا می‌گرفت. افسوس که ما مسلمانان کوتاهی و سستی می‌کنیم، خداوند ما را مصداق آیه «و یستبدل قوماً غیرکم» قرار ندهد. ما می‌توانیم با اعمال و اخلاق و کردار خود در برابر دیدگان مردم دنیا، اسلام صحیح را عرضه کنیم.<sup>(۵)</sup>

### نامهٔ یک مسلمان آمریکایی

یکی از مسلمانان ساکن آمریکا که مدتی در

ما

می‌توانیم با  
اعمال و اخلاق  
و کردار خود  
در برابر  
دیدگان مردم  
دنیا، اسلام  
صحیح را  
عرضه کنیم.

هندوستان تشکیل شده است پس از بازگشت به آمریکا در نامه ای می نویسد: به شهر مینیاپولیس (Minneapolis) در ایالت مینه سوتا در شمال آمریکا رفتم، حدود ۲۰۰میل از نیویورک فاصله دارد. از دفترچه راهنمای تلفن نام چند نفر مسلمان را پیدا کردم و با آنها تماس گرفتم اما موثر واقع نشد. به تنهایی نماز می خواندم. یک جمعه، نماز ظهر خواندم. جمعه بعدی در ساختمان یک دانشگاه نماز شروع شد. بعد از نماز جمعه با دانشجویان ملاقات صورت می گیرد. هر جمعه ۱۵ تا ۲۰ دانشجو برای نماز می آیند. چند هفته قبل به همراه یک هندوستانی نماز با جماعت را شروع کردیم و برای مسلمانانی که اینجا ساکنند برنامه ریزی نمودیم اما موفق نشدیم. یک شب جمعه دو دانشجو را ملاقات کردیم، کمی با آنها صحبت کردیم همه آماده همکاری شدند یکی از مصر بود و دیگری از زنگبار (افریقای شرقی)، اولی شیمی می خواند و دیگری تاریخ. من با آنها در مورد این کار عظیم دعوت و تبلیغ که در هندوستان شروع شده است صحبت کردم آنها خیلی متأثر شدند و گفتند واقعاً بر ما و همه مسلمانان لازم است که نیابت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم را در کار دعوت که بالاترین فرضیه است جزء زندگی خود قرار دهیم و زندگی رسول اکرم را که ضامن کامیابی همیشگی است در وجود خود و تمام دنیا رایج بگردانیم و برای آن تلاش کنیم.

هر شب یکشنبه دو ساعت و هر شب جمعه یک ساعت وقت اختصاص داده ایم که با جوانان مسلمانی که در اینجا تعدادشان به ۷۰ الی ۸۰ نفر می رسد ملاقات کنیم.<sup>(۶)</sup>

### کار تبلیغ در نیویورک

خاطرات یک جماعت: از کراچی به لندن رفتیم. در چند مسجد لندن فعالیت کردیم. بعد از دو روز به نیویورک رفتیم. امیر آنجا برای استقبال ما به فرودگاه آمد. مسلمانان نیویورک برای راحتی و آسایش جماعت ها و آسانی کار تبلیغ پیشنهاد داده اند که مکانی به عنوان مرکز تعیین شود در نتیجه مسلمانانی از جاهای مختلف و از کشورهای دیگر نیز همکاری نموده و یک ساختمان به قیمت پانصد

هزار دلار خریداری کرده و آن را مرکز تبلیغ قرار داده اند. اکنون مسلمانان اینجا با کار تبلیغ انس گرفته اند. در هفته دو بار به ملاقات مردم می روند و شب یکشنبه نیز دور هم جمع می شوند. در این محل هر شب نوجوانان قرآن می آموزند. یک مسلمان آلمانی تبار به نام عبدالرشید در اینجا هست با ظاهری بسیار آراسته و کاملاً مطابق با سنت نبوی و هر روز به خواندن نماز جماعت اهتمام می ورزد.

گزارش از یک جماعت دیگر: ما به آمریکا آمدیم تا در بین مسلمانانی که اینجا زندگی می کنند شعور و احساس برای یک زندگی صحیح اسلامی به وجود آید. ما با غیر مسلمانان ارتباطی نداریم با این وجود روزانه حداقل یک نفر می آید و در مورد اسلام سوالاتی از ما می پرسد، تا به حال هشت نفر مسلمان شده اند. از صحبت هایشان معلوم می شود که از دین آباء و اجدادی خود خسته شده و رویگردان هستند. یک نوجوان مسیحی به طور اتفاقی همراه دوست خود برای ملاقات با جماعت آمده بود اما بعد از شنیدن سؤال و جوابهایی که اینجا شد، چشمهایش برق زد و گفت: این حرفهای دل من بود، من از رفتن به کلیسا بیزارم و از صحبت های آنجا حالم گرفته می شود. من در اتاق خودم ساعتها تنها می نشینم و در مورد حق و حقیقت فکر می کنم و از خداوند می خواستم راه درست را به من نشان بدهد، امروز حق را پیدا کردم. نام او را عبدالرحمن گذاشتیم.

در اینجا بسیاری در پی یادگیری اسلام هستند اما کسی نیست آنها را راهنمایی کند. اگر کسی الفاظ کلمه لا اله الا الله را حتی به طور غلط هم یاد بدهد از آنها پول می گیرد! در اینجا هزاران نفر مسلمان وجود دارد اما احساس حقارت می کنند و به طور کلی بی تفاوت اند و به حال خود هم فکر نمی کنند. به نظر می رسد اگر کسی به طور صحیح به اسلام عمل کرده و در اینجا مدتی اقامت گزیند و در اعمال خود محکم و استوار باشد خیلی از انسانها از صمیم قلب به دین اسلام روی می آورند.

از اینکه جمعیت مسلمانان زیاد شود کاری درست نمی شود نیاز به این است که مسلمانان اهل یقین و اهل عمل شوند، به همین خاطر ضرورت دارد که فعلاً در میان خود مسلمانان فعالیت شود. اگر مسلمانان در هر کجا به طرز صحیحی عمل کنند

### از اینکه

### جمعیت

### مسلمانان زیاد

### شود کاری

### درست نمی شود

### نیاز به این

### است که

### مسلمانان اهل

### یقین و اهل

### عمل شوند، به

### همین خاطر

### ضرورت دارد

### که فعلاً در

### میان خود

### مسلمانان

### فعالیت شود.



برای دیگران اسوه و نمونه قرار می گیرند. مردم می خواهند به جای اینکه اسلام را در کتابها ببینند در زندگی افراد مسلمان مشاهده کنند. عمل به اسلام اثر مغناطیسی دارد و زندگی رسول اکرم صلی الله علیه و سلم سراسر کشش و جذابیت است.<sup>(۸)</sup>

### خاطراتی از مفتی زین العابدین رحمه الله

مفتی زین العابدین رحمه الله از شخصیت های علمی و دینی برجسته پاکستان و از شخصیت های بسیار فعال در کار دعوت بود. ایشان بعد از وفات مولانا محمدیوسف کاندهلوی و در زمان مولانا انعام الحسن در یک اجتماع در شهر «شفیلد» انگلستان شرکت کرده بود. خاطرات خود را چنین بیان کرده است: موفقیت اجتماع بیش از حد تصور بود، شرکت کنندگانی که از خود انگلستان و از ممالک دیگر آمده بودند جمعیت شان بین ۸ تا ۱۰ هزار نفر بود. آنهایی که تشکیل شدند نزدیک به ۲۰۰ نفر بودند. از انگلیسی ها اقشار مختلفی آمده بودند از اعضای پارلمان، کشیش، پلیس، پرفسور، روزنامه نگار، تاجر یهودی، دانشجو و غیره. مردم آنجا این جملات را بر زبان می آوردند که اینها مقرب خدایند و از برکت اجتماع اینها قطع باران به مردم فرصت کار و تلاش بیشتر داده است و هوا نیز سرد نشده است و در این فصل که مردم اصلاً آفتاب را نمی دیدند این روزها همه اش آفتابی بوده است. حرف دیگری که بر سر زبان مأمورین پلیس و نیروهای امنیتی بود این بود که ما چنین اجتماع پر امنیتی تا به حال در عمرمان ندیده ایم.

مولانا احمد بهاولپوری یکی از علماء و سخنرانان مشهور جماعت خاطرات خود را از یک اجتماع چنین می نویسد: اجتماع کیفیت عجیبی داشت، همه مردم از برکات و فضای معنوی حاکم بر آن متأثر شده بودند حتی که آثار تأثر را در چهره شهروندان انگلیسی شرکت کننده در اجتماع می شد حس کرد. مأمورین پلیس که در اطراف محل برگزاری اجتماع گشت می زدند از نظم و آرامش اجتماع خیلی متأثر شدند. با دیدن این اجتماع و امنیت ناخودآگاه به این حقیقت اعتراف می کردند که واقعاً اینها مذهبشان حق است. علاوه بر آن ۱۵ نفر در دایره

✓ اولین  
جماعت در  
سال ۱۹۵۶  
میلادی برای  
مدت چهار ماه  
به انگلستان  
آمد. اما تا  
۶ ماه ماند و  
کل انگلستان  
را دور زد و با  
تلاش و  
فداکاری این  
جماعت کار  
دعوت در  
انگلستان آغاز  
شد.

اسلام داخل شدند که دو نفر انگلیسی و بقیه امریکایی بودند.<sup>(۸)</sup>

از یک نامه دیگر وضعیت قبلی مسلمانان در انگلستان و وضعیت آنها بعد از شروع کار دعوت و تحولاتی که اخیراً در آنجا صورت گرفته است تا حدی معلوم می شود: الحمدلله بعد از دو ماه که انگلستان را دور زدیم در هفتم سپتامبر به آلمان رسیدیم. ده تا دوازده سال قبل در انگلستان فقط در ۸ یا ۹ شهر اتاقهایی به عنوان نمازخانه وجود داشت ولی در هیچ یک پنج وقت نماز برگزار نمی شد. هیچ امامی وجود نداشت. بعضی از مساجد فقط روزهای جمعه باز می شد و روزهای دیگر قفل بود. برای خواندن نمازهای جمعه و عیدین باید ۴۰ تا ۵۰ کیلومتر راه می پیمودند. برای غسل دادن جنازه ها و تدفین آنها هیچ گونه تدارکاتی نبود. گاهی مسلمانان جنازه ها را به کشورهای خودشان می فرستادند. مردم می گفتند که در اینجا زندگی آسان تر از مردن است. هیچ نوع برنامه ای برای ذبح شرعی نبود و نه کسی در فکر آن. برای تعلیم و آموزش بچه های مسلمانان هیچ مکتب و مدرسه ای وجود نداشت. اکثر مسلمانان از قرآن، وضو، غسل، روش ادای نماز، و حتی نسبت به الفاظ بسم الله و لا اله الا الله ناآگاه و ناآشنا بودند، و برخی این مسائل را مورد تمسخر قرار می دادند. در چنین فضایی خدواند کریم لطف کرد و به بعضی از دوستان که در اینجا بودند توفیق داد اعمال دعوت آنحضرت صلی الله علیه و سلم را انجام دهند. اولین جماعت در سال ۱۹۵۶ میلادی برای مدت چهار ماه به انگلستان آمد. اما تا ۶ ماه ماند و کل انگلستان را دور زد و با تلاش و فداکاری این جماعت کار دعوت در انگلستان آغاز شد. در سال ۱۹۶۵ اولین اجتماع برگزار شد، در همان روزها جماعت سرهنگ امیرالدین برای چهار ماه به انگلستان آمد که با تلاش این جماعت تا حد زیادی وضعیت دگرگون شد. سپس علمای بزرگوار گشت و گزارهایی در این کشور انجام دادند که باعث تقویت بیشتر این کار شد. بعد از آن، این مطلب به ذهن دوستان خطور کرد که یک اجتماع برگزار گردد، به همین منظور در شهر «شفیلد» در ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ ژوئیه سال ۱۹۷۲ یک اجتماع و گردهمایی ترتیب داده شد. در این اجتماع



مناطق مسلمانان به قدری زیادند که انسان احساس نمی کند در انگلستان است. در این مناطق روزانه در مساجد تعلیم و گشت هفته ای و دیگر اعمال و فعالیت های دینی صورت می گیرد.

## گزارشی از اجتماعات امریکا و اروپا در سال ۱۹۹۷

نام شهرها	تعداد شرکت کنندگان	تعداد اجتماعات های اعزامی	تعداد مساجد
فرانکفورت (آلمان)	۸۰۰۰	۱۲۲	-
انگلستان	-	۴۴	-
فلادلفیا (آمریکا)	-	۴۴	۴۵۶
دیترویت (آمریکا)	-	۲۱	۱۰۰
شیکاگو (آمریکا)	۳۰۰	۵۰	۱۵۴
لوس آنجلس (آمریکا)	۴۰۰۰	۴۳	۱۹۰
هوستون (آمریکا)	۱۵۰۰	۳۲	۳۰۸
برزیل و جزایر هند غربی دریای کارائیب	۲۰۰۰	۸۰	-
تورنتو (کانادا)	۶۰۰۰	۸۳	۱۲۲



شخصیت سوم تبلیغ مولانا انعام الحسن، مولانا پالن پوری و بزرگان دیگر حضور یافتند. این اجتماع به سادگی برگزار نشد بلکه برای برگزاری آن خیلی زحمات و فداکاریهای مالی و جسمانی و همچنین تلاش های روحانی صرف شد. یک جماعت برای دعا به بیت الله شریف رفت.

در این اجتماع سه روزه، علاوه بر ممالک اسلامی از کشورهای امریکا، افریقا، بعضی از کشورهای اروپایی و هندوستان حدود ده هزار نفر جمع شدند. در این جا ده هزار نفر به اندازه صد هزار نفر اهمیت دارد. صدای قال الله و قال رسول الله و صدای دعوت به سوی الله در فضا می پیچید، انگلیسی ها حیران بودند که ده هزار نفر بدون میز و صندلی در یک میدان خالی در خیمه ها تا سه روز با هم نشستند و با هم زندگی کردند. کیفیت نماز و منظره ایمان افروز بستن صف برای ادای نماز را اروپاییان برای اولین بار به چشم خود می دیدند. سفید و سیاه، عرب و عجم در یک صف ایستاده بودند. افراد پلیس گشت می زدند اما حیران بودند که در این جمعیت بزرگ نه سر و صدایی و نه آشوب و فتنه ای و نه بی نظمی... بعضی از آنها از دیدن این صحنه همزیستی و صفا و صمیمیت در میان جمعیتی انبوه خیلی متأثر شدند و در همان لحظات به آغوش اسلام در آمدند. حالا از همه جا خبر اسلام آوردن مردم به گوش می رسد. اکنون به برکت نقل و حرکت و تلاش های مسلسل جماعت های تبلیغی الحمدلله همه جا خواندن نمازهای پنجگانه به جماعت اهتمام می شود. در انگلستان حدود ۱۵۰ مسجد وجود دارد.<sup>(۹)</sup> برای تعلیم قرآن مجید مکاتب متعددی درست شده است. در شهر «بولتن» با مشوره شیخ الحدیث مولانا زکریا رحمه الله یک دارالعلوم، برای آموزش علوم دینی، تأسیس شده است و در آنجا علما و حفاظ زیادی مشغول به خدمت هستند. برنامه های نماز جمعه و عیدین مرتب برگزار می شود. چندین مغازه برای عرضه گوشت های حلال باز شده است. گوشت به طریقه ذبح شرعی در دسترس است. غسل و تدفین جنازه ها به خوبی انجام می گیرد. برای مسلمانان قبرستان جداگانه درست شده است. در بعضی

✓ در شهر

«بولتن» با

مشوره

شیخ الحدیث

مولانا زکریا

رحمه الله یک

دارالعلوم،

برای آموزش

علوم دینی،

تأسیس شده

است و در آنجا

علما و حفاظ

زیادی مشغول

به خدمت

هستند.

- ۱- مقدمه کتاب نهضت دعوت و تبلیغ، ص: ۵، ترجمه مولانا محمد قاسم قاسمی.
- ۲- مرجع سابق ص: ۵.
- ۳- سید محمد ثانی حسنی، سوانح یوسفی (اردو) ص: ۵۱۸ ناشر المکتبه الاسلامیه کراچی.
- ۴- سید محمد ثانی، سوانح یوسفی، ص: ۵۲۶.
- ۵- مرجع سابق ص: ۵۲۷.
- ۶- مرجع سابق ص: ۵۳۲.
- ۷- مرجع سابق ص: ۵۳۷.
- ۸- سید محمد شاهد سهارنپوری، محمد انعام الحسن، ج ۳، ص: ۵۱.
- ۹- این تعداد در آن زمان بوده و حالا خیلی افزایش پیدا کرده اند.